

دولت سیزدهم به دنبال این است که برخلاف دولت‌های گذشته از ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری منطقه و کشورهای همسایه بخوبی استفاده کند. یک بحث عزم و تصمیم است، اما بحث مهم‌ترین است که به الزامات آن متعهد نیستیم. یعنی می‌خواهیم با ۱۵ کشور همکاری کنیم و در عین حال واردات‌مان به حداقل برسد، اما این قطعاً شدنی نیست چرا که تجارت هم صادرات دارد و هم واردات؛ نمی‌توان فقط یکی را انتخاب کرد.

به اعتقاد شما عدم واردات از برخی کشورها باعث شده است تا تجارت ایران با کشورهای همسایه رونق نگیرد؟

هر کشوری که ما قصد داریم به آن صادرات کنیم، چه ترکیه باشد چه پاکستان و چه سایر کشورها، می‌خواهند تعامل تجاری و دوسویه داشته باشند نه اینکه واردکننده صرف باشند، حتی عراق هم با آنکه صادراتی ندارد به دنبال همکاری مشترک و صادرات است. لذا باید این امر را در ذهن داشته باشیم که تعالی در تجارت، همکاری دوسویه و سود بردن دوطرف است، لذا باید رویکردها را در تجارت بخصوص با کشورهای همسایه تغییر دهیم. تصور ما این است که اگر واردات را به حداقل و صادرات را به حداکثر برسانیم در تجارت موفق عمل کرده‌ایم و این تجارت برنده است، اما اتفاقاً این نوع تجارت محکوم به شکست است چرا که پایدار نیست. بر این اساس ضرورت دارد که واردات بر مبنای رشد اقتصادی کشور باشد. یعنی به جای کالای نهایی، مواد اولیه تولید وارد شود. واردات برای تولید در جهت صادرات، باعث می‌شود که ضمن تعامل تجاری به رشد اقتصادی مطلوب دست یافت. با واردات مواد اولیه می‌توان تولید کالاها را افزایش داد و از قاچاق کالا جلوگیری کرد، سؤال من این است، مگر به کره جنوبی یخچال قاچاق می‌شود؟ خیر، چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد چرا که خودش صادرکننده این کالا است، لذا اگر در تولید کالاها به جهت کیفیت و کمیت به جایگاه خوبی برسیم، قاچاق در کشورمان کاهش خواهد یافت و این امر جلوی خروج ارز از کشور را هم خواهد گرفت. لذا نباید به واردات نگاه بدبینانه داشت. مهم‌ترین مشکل ما این است که اقتصاد ایران سیاست‌زده است و زیر نظر سیاست می‌خواهد رشد کند، لذا با این شرایط توسعه تجاری و تعامل با کشورهای دیگر سخت است.

آیا ارتباط چین با عربستان به معنای آن است که ارتباط تجاری ایران و چین کم‌رنگ می‌شود و یا قرارداد ۲۵ ساله همکاری کنار گذاشته شده است؟

اظهارنظرهایی که در مورد روابط تجاری بخصوص در مورد چین می‌شود، نشأت گرفته از مسائل سیاسی است. اخیراً گروه‌های سیاسی سکویی پیدا کرده‌اند که از هر سمت به روابط ایران و چین حمله کنند. رئیس‌جمهور چین در سفر به عربستان قرارداد چند ده میلیارد دلاری بست و همین امر سبب شد که در فضای داخلی نسبت به همکاری با چین هجمه‌هایی ایجاد شود، اما چنین رویه‌ای اشتباه است. قرارداد همکاری چین با عربستان دلیل بر این نیست که چین ایران را کنار گذاشته باشد، همان‌طور که چین رابطه خوبی با ما دارد، می‌تواند همین رابطه را با سایر کشورهای جهان داشته باشد. هر کشوری منافع اقتصادی و تجاری خود را می‌بیند. اولین طرف صادراتی ما چین و پس از آن عراق است. عراق دومین بازار صادراتی ایران است و در برخی سال‌ها یک سوم از صادراتمان مربوط به عراق بوده که مقدار قابل توجهی است و این در صورتی است که به آن مقدار که باید به ظرفیت تجارت با این کشور توجهی نمی‌کنیم. ویژگی بسیار مهم بازار عراق این است که هر کالا و محصولی از یک ظرف پلاستیکی گرفته تا پروژه‌های نیروگاهی در این بازار قابل عرضه است و خریدار دارد. از طرفی کشورمان در تجارت با عراق مزیت‌های نسبی مثل نزدیکی، آشنایی‌های فرهنگی، سطح تکنولوژی و دیگر موارد را نسبت به رقبای خود دارد، ولی در حال حاضر نقش خود را در این کشور ایفا نمی‌کند و تمام این مسائل به جایگاه دیپلماسی اقتصادی در نظام تصمیم‌گیری برمی‌گردد. از نظر امنیتی با اینکه در حال حاضر عراق در وضع خوبی قرار ندارد، اما تمام مسئولان و صاحب‌نظران عراقی می‌دانند که مسائل اقتصادی را باید در اولویت قرار دهند و اگر بتوانند روابط اقتصادی خود را با دیگر کشورها هماهنگ کنند به اهداف امنیتی خود نیز می‌رسند. در حال حاضر مشاهده می‌شود که کشورهایی مثل آمریکا، چین، ترکیه، عربستان و حتی عمان که به نوعی در رابطه با عراق رقیب ایران به شمار می‌آیند، تمام همت خود را در تمرکز بر اقتصاد عراق گذاشته‌اند و هزینه‌هایی را که قبلاً در مقابله با داعش مصرف می‌کردند در سرمایه‌گذاری، حمایت و افزایش زیرساخت اقتصادی عراق به کار می‌برند.

دولت گذشته
فکر می‌کرد
که اگر با غرب
همراه شود،
اوضاع کشور
و بخصوص
تجارت رونق
می‌گیرد و سعی
داشت نارسایی
و ابهامات را
خالصانه با غرب
حل کند و از
سویی به شرق
(چین) خیلی
اعتماد نداشت.
کشورهای
شرقی هم به
این باور رسیده
بودند که دولت
جمهوری
اسلامی
حداقل در آن
مقطع به شرق
اعتماد ندارد
و می‌خواهد
مناسبات
تجاری و
همکاری‌های
اقتصادی خود را
با غرب جلو ببرد